



دانائین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان	داناترین
موضوع	لزوم ترس و امید در زندگی و اهمیت صلہ رحم
مخاطب	نوجوان (راهنمایی)
قالب های بکار گرفته شده	تمثیل، سوال، شکل، داستان
تهیه و تدوین	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ معاونت فرهنگی و تبلیغی
تنظیم و ارائه	سایت راه تربیت؛ www.tarbiat.net

داناترین ها

موضوع درس:

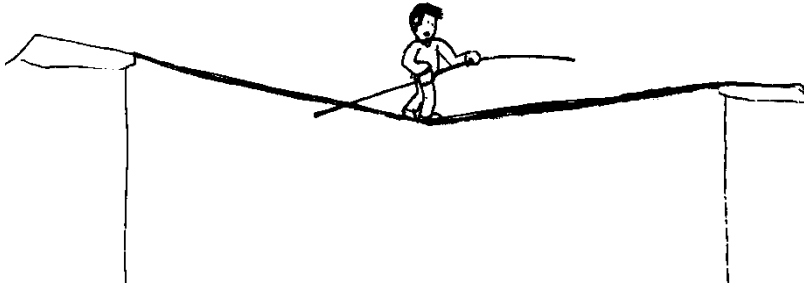
موضوع: بهره‌گیری اجمالی از کلام و سیره امام باقر و امام صادق علیهماالسلام

هدف گذاری:

در این درس برآنیم تا با استفاده از بیانات نورانی این دو امام بزرگوار، دو موضوع مهم را به صورت ساده و قابل فهم برای نوجوان بیان کنیم. موضوع اول مبحث "خوف و رجا" با بیانی از امام باقر(ع) است. برای اهل علم، فواید و آثار داشتن توأم این دو بال، برای پرواز به اوج معنویت بسیار واضح تر از آن استن ک نیاز به توضیح باشد. دو بالی که یکی (رجا) شوق و شور حرکت و تلاش هرچه بیشتر را باعث می شود و دیگری (خوف) دقت و توجه و مراقب در این تلاش.

اما مبحث دوم در این درس "اهمیت صله رحم" و "گذشت و عفو" می باشد که در کلام امام صادق (ع) آن را دنبال کرده ایم.

نکته ای که وجود دارد این است که در این درس بیشتر به مبحث اول خواهیم پرداخت و با توجه به اینکه درباره ی "صله رحم" بیشتر بحث کرده ایم، در این بخش به ذکر داستان و روایت و حدیث بسنده می کنیم. در حقیقت مربی گرامی در این بخش باید با ارائه این مطالب چند روز پیش از این جلسه به دانش آموزان، این بخش را به صورت کنفرانسی البته به همراه معما، نمایش و... از آنها بخواهد تا هم یادآوری بر مباحث کلاس شود و هم کلاس به دلیل تکرار موضوع کسل کننده نباشد و دانش آموزان فعال تر از قبل در مباحث آن شرکت کنند.



درسنامه

این تصویر چیست؟ مرد طناب بازی که روی طناب راه می رود.

* اگر در فضای کلاس سو یا

برجستگی باریکی وجود داشت، مربی از چند تن از دانش آموزان بخواهد که روی آن حرکت کنند تا معنی تعادل برایشان ملموس تر شود.

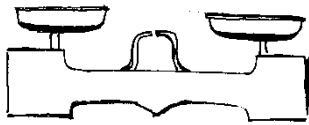
اگر به یک سر چوب وزنه ۵ کیلویی و به سر دیگر آن وزنه ۲۰ کیلویی بندیم، آیا طناب باز ماهر ما می تواند به آخر طناب برسد؟ خیر

مهمترین راز حرکت طناب باز چیست؟ ت ع ا د ل
تعادل یعنی چه؟

یعنی طناب باز باید دقت کند که وزن بدن و چوبی که در دست دارد سمت چپ طناب با سمت راست آن برابر باشد.

معما:

اون چیه که اگر به تعادل نرسه، دو نفر با هم دعواشون میشه؟
راهنمایی: اسم آن دو نفر را اینجا پیدا کنید:



م ش ت ر ی و ف ر و ش ن د ه

راهنمایی: در قرآن و به زبان عربی به آن "میزان" می گویند.

ترازو

پس ترازو در چه حالی باشد فروشنده و مشتری هر دو راضی هستند؟ در حالت تعادل

بحث بعدی:

ما آدم ها از دیدن چیزهای وحشتناک چ حالی پیدا می کنیم؟ ترس
آیا ترس بد است؟ اگر ما نمی ترسیدیم چه می شد؟

حتماً تا حالا یا دیدید، یا کسی این کار را با شما کرده و یا شاید شما با کوچکترها کرده اید!

بعضی وقت ها وقتی حرفی را به کودکی می گوییم و گوش نمی دهد چه می کنیم؟

او را می ترسانیم تا کاری که می خواهیم انجام دهد.

ترس در اینجا چه کرد؟

اگر دقت کنید مثلاً وقتی کتری یا اتو یا وسیله ی خطرناک یا حتی حیوان خطرناکی نزدیک یک کودک باشد، هرچقدر هم که بگوییم خطر دارد داغ است و.. هرچند هم که بفهمد که چه می گوییم (مثلاً اول ابتدایی باشد)، باز به خاطر کنجکاوی، بازی گوشی و... ممکن است از خطر دور نشود. اما وقتی مثلاً با نزدیک کردن آن وسیله ی خطرناک یا در آوردن صداها و حرکات دست و صورت او را می ترسانیم، او از خطر دور می شود. پس گاهی ترس باعث دوری ما از خطر می شود.

آیا دوری از خطر بد است؟ خیر

مثال دیگر:

ترس برای دوری از خطر فقط برای بچه ها نیست. گاهی برای اینکه بزرگترها هم بترسند، مسئولین کارهایی می کنند که هم آگاهی آنها را بالا می برد و هم از عواقب کارهای نادرست آنها را می ترسانند. چه کسی می تواند برای این مورد مثال بزند؟

- گذاشتن ماشین های تصادف کرده و له شده در کنار پلیس راه
- چاپ تصویر شش های خراب و از بین رفته روی پاکت سیگار

مبحث سوم:

اگر تا به حال بازی های رایانه ای انجام داده باشید، در همه ی بازی ها دو نکته بدون استثنا وجود دارد و هیچ بازی بدون این دو پیدا نمی کنید. اگر هم ساخته شده باشد، چون کسی آن را بازی نخواهد کرد، خود به خود از رده خارج است.

س: آن دو نکته چیست؟

۱. امتیاز گرفتن و رفتن به مراحل بعد (جایزه ی خوب بازی کردن)

۲. خطر سوختن در بازی و حذف شدن (مجازات بد بازی کردن)

در هیچ بازی ای امکان ندارد برای شما جایزه یا امتیازی در نظر نگیرند. چون اگر اینها نباشد و بعد از این فضایی که هستید، فضا و مرحله ی دیگری نباشد، یا اینکه چیزهایی در بازی نباشد که با گرفتن آنها امتیاز بگیرید و یا مثلا امکاناتی مثل تفنگ و ماشین و... بگیرید، با چه انگیزه ای بازی می کنید؟ اصلا بازی را ادامه نمی دهید.

چون در بازی جایزه و پیشرفت هست، برای اینکه معلوم شود چه کسی خوب بازی می کند و چه کسی بد، طراحان بازی موانعی در بازی می گذارند که اگر نتوانید از آنها عبور کنید می سوزید و گیم اُور (Game Over) می شوید چه کسانی می توانند این موانع را پشت سر بگذارند؟ کسانی که تلاش، دقت و مراقبت دارند. کسانی که از ترس باختن، مراقبتند که به جاهای ممنوعه و پرتگاهها نروند و...

نکته ی جالب یک بازی خوب هم همین است که هر چه بازیکن بالاتر می رود، چون جایزه ها (امتیازات، امکانات بازی و...) بیشتر شده است، به همان نسبت هم خطرات و دشمنان در بازی بیشتر هستند و این یعنی چه؟ " تعادل " در اینجا هم تعادل باعث جذابی بازی است. یعنی اگر یک بازی فقط جایزه و امکانات بدهد ولی هیچ دشمنی و خطری در بازی نباشد، بسیار بی مزه و کسل کننده خواهد بود. همینطور اگر هیچ مراحل دیگر و امکانات بیشتری در کار نباشد و از آن طرف مثلا یک گول بزرگ در همان اول بازی باشد که اصلا نشود از آن گذشت، این بازی هم اگر مسخره تر از بازی قبل نباشد، به همان اندازه اعصاب خرد کن است!

داستان:

من شنیده ام که در قیامت برخی افراد که جهنمی هستند، به خاطر اینکه امید داشتند خدا آنها را بخشد به بهشت می روند.

- چه بگویم؟ ولی به نظرم خیلی درست نیست. چطور ممکن است کسی که گناه می کند، به خدا و بخشش او امید داشته باشد.

.....

- اما من هم شنیده‌ام گناهکارانی را به خاطر امید به خدا در قیامت می‌بخشند....

آنها گفت و گوی خود را ادامه دادند چون به نتیجه نرسیدند، تصمیم گرفتند نزد کسی بروند که حرفش رد خور ندارد و قطعاً درست است. او آنقدر عالم و داناست که به او "شکافنده‌ی علوم" می‌گویند. وقتی به حضور امام باقر (ع) رسیدند، بحث خود را مطرح کردند. وقتی حرفشان به پایان رسید، حضرت با نراحتی به آنها فرمود:

«وای بر شما! باید مراقب باشید که ترس از عذاب خدا و امید به بخشش او مانند دو کفه‌ی ترازو کاملاً برابر هم باشند. در قلب هر مومن دو نور وجود دارد. یکی نور ترس و دیگری نور امید که هر دو دقیقاً به یک اندازه‌اند.»

آنها که کاملاً منظور امام و دلیل نراحتی‌شان را فهمیده بودند، شرمند شده و از حضور ایشان مرخص شدند.

- خدارا شکر که امام علیه‌السلام اندیشه‌های غلطمان را تصحیح کرد. من با این عقیده‌ی ناقص تا به حال به امید خدا بسیار دل بسته بودم و اصلاً به فکر ترس از عذاب او نبودم. برای همین خیلی راحت گناه کردم و با خود گفتم حتماً خدا می‌بخشد.

- من هم همینطور. هرگز فکر نمی‌کردم که همان اندازه که به خدا امید دارم، باید مراقب اعمالم هم باشم که گناه نکنم و مستحق عذاب خدا نشوم. (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۱)

نتیجه:

۱. ترس برای پیشرفت لازم است، همان طور که امید لازم است. چون با ترس است که ما مراقب اعمال خود و عاقبت آنها می‌شویم و درست عمل می‌کنیم و در نتیجه به پاداش هم می‌رسیم.

۲. ترس و امید باید به اندازه هم باشند. مثل بازی کامپیوتری. اگر ما همیشه فقط بترسیم و به خطاهای خود فکر کنیم و به اینکه حتماً خدا ما را عذاب می‌کند و... حتماً مایوس می‌شویم و در این حالت شیطان خوشحال می‌شود که توانسته امید به خدا را از ما بگیرد.

اگر هم همیشه فقط به امید خدا فکر کنیم و دقت در عواقب اعمال خود نداشته باشیم و نترسیم، ممکن است آنقدر دلمان به خاطر گناهان سیاه شود که دیگر نور ایمان و امید به خدا هم در آن خاموش شود. مثل بازی رایانه‌ای که با کارهای غلط خون‌آجان بازیکن کم می‌شود و بعد از مدتی به خاطر عدم دوری از خطرات و مراعات قوانین بازی او می‌سوزد و از بین می‌رود. برای همین خداوند در قرآن کریم پیامبر را «مبشراً و نذیراً» نامیده است. یعنی چه؟ بشارت دهنده به پاداش و هشدار دهنده درباره‌ی عذاب.

راستگوی مهربان

داستان:

بر اثر سمی که وارد بدنش شده بود روز به روز لاغرتر می شد و رنگش به زردی می گرایید. دیگر توان برخاستن نداشت و در رختخواب بستری بود. دوستانش برای عیادت می آمدند، اما هنگام رفتن، همه غمگین و اندوهناک بودند. آنها و من می دانستیم که او رفتنی است و از دست ما نیز کاری ساخته نبود. سمی بسیار مهلک و قوی به اندام های بدنش سرایت کرده بود. من این دو روز را که بر بالین او بودم، از سخت ترین روزهای عمرم می دانم. دیدن صحنه ی غلتیدن امام از این پهلو به آن پهلو و درد کشیدن او برایم غیر قابل تحمل بود ولی چاره چه بود. سال ها افتخار کنیزی در منزل او را داشتم و دلم نمی خواست آخرین روزهای عمرش به او خدمت نکنم. گاه گاهی به حال اغما می رفت و دوباره به هوش می آمد. حالت نگاهش نیز فرق کرده بود بسیار بی رمق و ناتوان. به چهره ی زرد او نگاه می کردم که چشم هایش را باز کرد و گفت:

- سالمه!

- بله آقا.

- به فلانی که از اقوام ماست، هفتاد سکه بدهید و به فلان کس پنجاه سکه و....

- اما این افرادی که شما می گوئید، اما زمانی دشمن شما بودند، دشمنی باشما را تا حد کشتن نیز رسانده بودند، حال شما به آنها عطا می کنید؟

- دلت نمی خواهد مشمول آیه ی قرآن شوم؟

- کدام آیه؟

- آنجا که می فرماید: «آنان پیوندهایی را که خدا امر کرده برقرار می کنند (صله رحم می کنند) و از پروردگارشان می ترسند... آنان عاقبتی نیکو در سرای دیگر دارند.»^۱

- شما درست می فرمایید، اما آیا فراموش کرده اید که چقدر در حق شما بدی کرده اند. امام صادق (ع) آن پیشوای شیعیان - که همه ی زندگی اش درس بود پاسخ داد:

- ای سالمه، خدا بهشت را آفریده و آن را پاکیزه و خوشبو نموده است، به قدری خوشبوست از مسیر راه دو هزار ساله به مشام می رسد، اما اگر پدر و مادر از خود ناراضی کند و صله رحم نداشته باشد آن بو به مشامش نخواهد رسید این را گفت و خوابید، نمی دانم که خوابش برده بود یا نه، ولی در جوابش گفتم: حتما این کار را خواهیم کرد.^۲

* تذکر

در باب صله رحم پیشتر مباحثی مطرح شده است که جهت یاد آوری و تکرار مناسب است که همان مطالب را دانش آموزان خود بیان کرده و کنفرانس دهند.

^۱ «والذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب... اولئک لهم عقبی الدار» رعد، آیه های ۲۶-۲۲ "

^۲ فروع کافی، ج ۷، ص ۵۵



جریان سازی پرورشی

۱. درباره ی تعادل و لزوم آن در زندگی عادی مثال هایی بزنید.
۲. داستان یا نقاشی از نتیجه ی زندگی بدن تعادل بیاورند.
۳. درباره ی ترس و امید، آیه یا حدیثی پیدا کنید.
۴. ترس و امید را در زندگی روزمره در چه چیزهای دیگری می بینند؟
۵. مصداق های ترس و امید را از یکی از بازی های رایانه ای که انجام داده اند بنویسند.